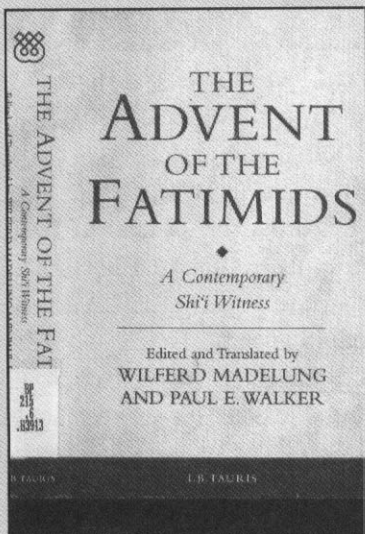


○ آیات شریف عسکری



معرفی کتاب خارجی

کتابی تازه در مطالعات اسماعیلیه

امامیه می‌توان دریافت، مرگ اسماعیل در زمان حیات پدرش در سال ۱۴۵ق. یا حتی زودتر بوده است. اما گروهی خبر مرگ اسماعیل را از روی تقیه دانستند و از رجعت وی سخن گفتند. برخی از جمله قمرطیان، امام بعد از وی را محمد بن اسماعیل معرفی کردند. گروه دیگر، از جمله فاطمیان مصر، به تداوم امامت در میان فرزندان اسماعیل اعتقاد یافتند. اما خلافت فاطمیان در رقابت تونس تنها در ۲۹۷ق. به پیروزی انجامید. درباره دوره ستر یا ائمه مستور، یعنی فاصله میان مرگ اسماعیل در سال ۱۴۵ق. تا به قدرت رسیدن اولین خلیفه فاطمی، عبدالله المهدی، در رقابت اطلاعات اندکی وجود دارد. ^۱ مهم‌ترین منابع برای تحقیق در این دوره تألیفات قاضی القضاة فاطمیان، قاضی نعمان بن حیون، چون المجالس والمسابرات، رساله افتتاح الدعوة و شرح الاخبار است. به تازگی دو محقق برجسته حوزه مطالعات اسلامی، ویلفرد مادلونگ و پاول واکر، متنی مهم از دوره نخست خلافت فاطمیان با عنوان کتاب المناظرات منتشر کرده‌اند. ^۲ این دو محقق، متن کتاب را که به طور کامل از اثری متأخر به

● The Advent of the Fatimids;

A Contemporary shii witness,

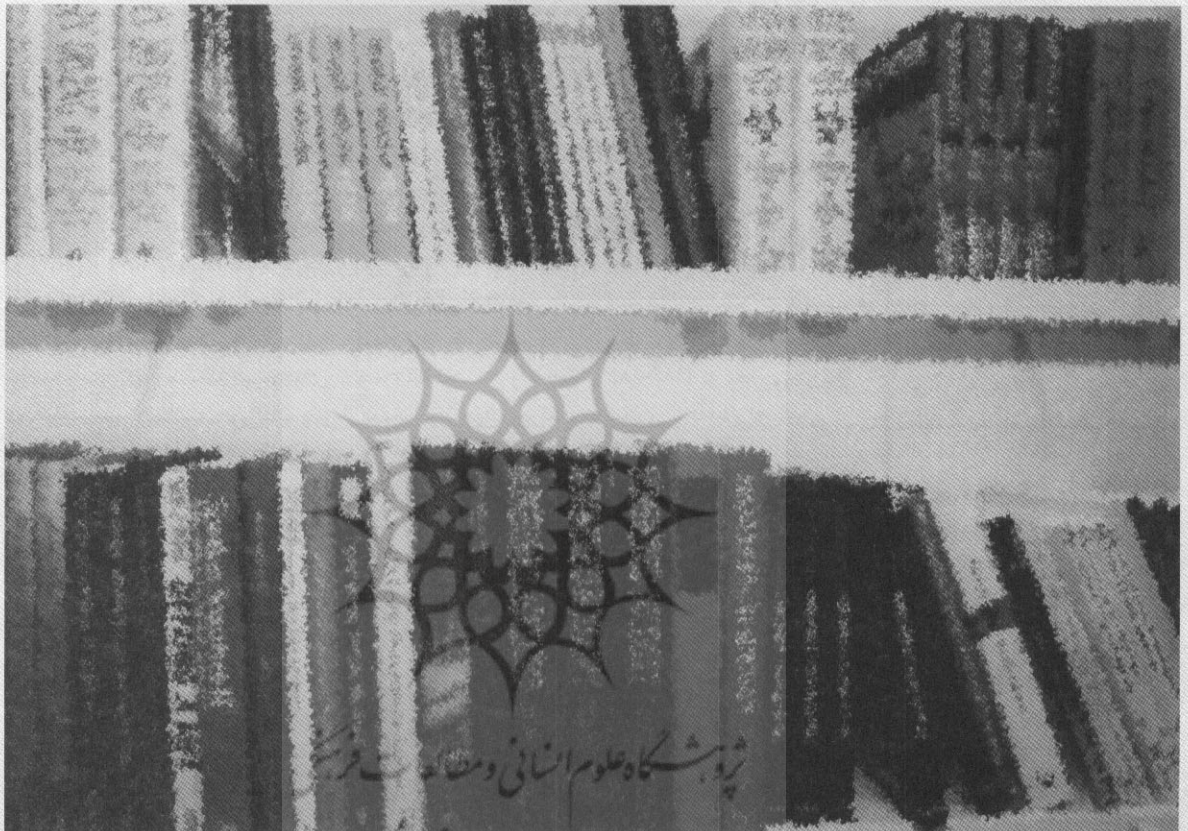
● Edited and Translated by

Wilferd Madelung and Paul E. Walker

● I. B. Tauris, London, 2000.

ابوعبدالله جعفر بن احمد بن محمد بن الاسودین الهیثم، کتاب المناظرات، تحقیق و ترجمه ویلفرد مادلونگ و پاول واکر، انتشارات ای. بی. تاوریس، لندن، ۲۰۰۰، شابک: ۱۸۶۰۶۳۵۵۱۸ صفحات عربی ۱۳۴ + متن انگلیسی و مقدمه ۱۹۲+۱۴.

در میان فرقه‌های منشعب از تشیع در گذر تاریخ، دو حرکت زیدیه و اسماعیلیه به دلیل بقا و ماندگاری تا روزگار ما اهمیت فراوانی دارند. با این حال اسلام‌شناسان بیشتر به مطالعه در زمینه اسماعیلیه پرداخته‌اند و مطالعات نسبتاً ناچیزی درباره امامیه و زیدیه وجود دارد. حرکت اسماعیلیه با اختلاف بر سر مرگ اسماعیل بن جعفر، آغاز شد. آن گونه که از مصادر



نام الازهار و مجمع الاتوار الملقوطة من بساتین الاسرار و مجامع فواکه الروحانيه والثمار تألیف حسن بن نوح بن یوسف بن محمد بن آدم هندی بهروچی (متوفی ۱۱ ذیقعدة ۹۴۹) برگرفته اند.^۲

عالمات امامی معاصر به نحو جسته و گریخته از وجود چنین کتابی اطلاع داشتند. شیخ آقابزرگ تهرانی در الذریعة الی تصانیف الشیعة (ج ۲، ص ۳۳۹-۳۴۰) از کتابی با عنوان امامة امیرالمؤمنین علیه السلام نگاشته یکی از عالمان شیعه یاد کرده و احتمال می دهد مؤلف آن حسن بن نوح بن یوسف بهروچی باشد. آقابزرگ این نسخه را در کتابخانه شیخ قاسم بن حسن آل محبی الدین جامعی نجفی دیده است. تاریخ کتابت نسخه، ۱۲۶۷ ق. بوده و بر روی آن نگاشته شده است: «جلد ششم از کتاب الازهار». در ادامه آقابزرگ شرح حال بهروچی را از قول ایوانف نقل کرده است. ایوانف از آثار بهروچی به کتابی به نام الازهار و مجمع الاتوار در هشت جلد اشاره کرده و گفته است که چهار سب از هفت سب کتاب (یعنی مجلدات اول تا چهارم) را در اختیار دارد. با این حال ایوانف در

توصیف سب ششم گفته است که این مجلد در نصایح و اخلاق است. براین اساس آقابزرگ ارتباط میان کتاب امامة امیرالمؤمنین و الازهار را ضعیف دانسته است. آقابزرگ نسخه ای را که دیده، چنین توصیف کرده است:

«فان هذا الكتاب (یعنی امامة امیرالمؤمنین) مشتمل علی اثنین و ستین جزء، کل جزء ست عشرة صفحة ناقصة من اوله صفحة أو ورقة. نقل فی اجزاء قليلة من اوله بعض المناظرات الاسماعيلية و بقية الكتاب ما یقرب من ستین جزء كلها فی اثبات امامة امیرالمؤمنین علیه السلام و فی أواخره قال المؤلف: قد بینا فی هذا الكتاب من الاحتجاج علی اثبات الوصية امیرالمؤمنین علیه السلام ما فی فصل منه كتابة ففی ثلثه أجزاء منه أورد قضایاه المشتملة علی معجزاته و فی عدة أجزاء منه ذکر خطبة المذكورة فی نهج البلاغة...»

بنابراین آقابزرگ نسخه ای از کتاب الازهار را دیده که حاوی اثری دیگر در خود آن نسخه، در امامت علی علیه السلام بوده است. این کتاب

همان المناظرات است.

حسن بن نوح بن یوسف بن محمد بن آدم هندی بهروچی مؤلف و تدوین‌گر کتاب الازهار (که نسخه‌های خطی آن در مجموعه نسخه‌های اسماعیلی همدانی و موسسه مطالعات اسماعیلیه لندن موجود است)، در هند به دنیا آمد. پس از گذراندن مراحل تحصیل به یمن رفت و در آنجا نزد بزرگان اسماعیلیه طیبی دانش آموخت و در همان‌جا اقامت گزید. وی در ۹۳۱ ق / ۱۵۲۴ م. تالیف کتاب الازهار را آغاز کرد و آن را بعد از ۹۳۵ ق / ۱۵۲۸ م. به پایان رساند. این کتاب به دلیل نقل قول‌های مفصل از آثار کهن اسماعیلیه ارزش فراوانی دارد. بهروچی در جلد ششم این مجموعه، متن کهن و رساله غیرموجودی از اسماعیلیه نخستین را با نام المناظرات نقل کرده است. این کتاب یکی از مکتوبات موجود از حرکت اسماعیلیه در دوران خلافت عبداللّه المهدی و از حلقه طرفدار ابوعبدالله و ابوالعباس شیعی است.^۵ مؤلف کتاب، ابوعبدالله جعفر بن احمد بن محمد بن اسود بن هیشم، از داعیان اسماعیلیه است.^۶ از وی هیچ اطلاعی در دست نیست جز برخی مطالب پراکنده که در متن کتاب درباره خود بازگو کرده است.

ابن هیشم مؤلف کتاب

ابن هیشم در آغاز کتاب می‌نویسد: «قال أبو عبدالله جعفر بن احمد بن محمد رضی الله عنه: زين الله الانصاف في عينك و وفقك في قولك و فلك، سألت أروشد الله أمرک أن أكتب لك ماجری بینی و بین أبي عبدالله و أخیه من المناظرات فی الامامة و غیر ذلك و سبب خروجنا الی الأندلس و ماجری بیننا و بین القائم علی بنی أمیه و ما زرعنا عندهم و عند اهل قرطبة من فضل علی بن أبي طالب امیر المؤمنین صلوات الله علیه و فضل آل محمد علیه السلام و عن سبب خروجنا الی مغرب و ما متحنا به من مصالاة و اخته اللعينة ممایلیهما علینا من حزب / ص ۲ / الضلال و سأذكر لك بعض الذی حفظناه من ذلك، فقد طال عهدہ و قدم الزمان به و بعد الوقت الذی كان ذلك فيه و طرقتا من حوادث المحن و توالی الفتن القریب العهد من الأخبار المحدثه و یمیت الخاطر و یذهب القطنه و یبعد الأمیة و یقرب المنیة، غیر أن ولادة الدین من ذلك لا تنسی و أخبارها فتذكر و لا تخفی» (ص ۳). آنچه که از این گفته‌ها می‌توان به دست آورد آن است که مؤلف خاطرات خود را مدت‌ها پس از وقوع حوادث به

خواهش دوستی تحریر کرده است.

اشارات تاریخی که در این متن آمده چنین است: قیام عمر بن حفصون که از سال ۲۶۷ ق / ۸۸۰ م. تا زمان وفاتش در ۳۰۶ ق / ۹۱۸ م. بر اندلسیان شورش کرده بود و به نیابت از عبداللّه المهدی اعلام حکومت کرد (درباره این فرد ر. ک: ابن الخطیب، کتاب اعمال الاعلام، تحقیق لویی پرونسال، بیروت، ۱۹۵۶ م، ص ۳۲؛ لویی پرونسال، "Omar b. Hafsun"، دایرة المعارف اسلام، چاپ دوم). اشاره دوم به امیر قبیله‌ای بربر در تاهرت، مصالیه بن حبوس مکناسی، از هواداران فاطمیان است. عربی (منقول در ابن عذاری، الیابان المغرب ج ۱، ص ۱۸۵-۱۸۶) به واقعه‌ای در سال ۳۰۹ ق / ۹۲۱ م. اشاره کرده است که شماری از داعیان اسماعیلی در منطقه ونشیرس که از بخش‌های تحت سلطه این امیر بربر بوده، کشته شده‌اند. بعد از این ماجرا نیز عبداللّه المهدی بر عده‌ای از دعوات اسماعیلی خشم گرفت و آنها را زندانی کرد. ظاهراً ابن هیشم، اقدامات مصالیه را در این رخدادها مؤثر دانسته است. مصالیه در سال ۳۳۶ ق. کشته شد.

ابن هیشم (ص ۵۹) درباره شرح حال خود می‌گوید: «توفی أبی و أنا دون البلوغ سنة ۲۸۵ ق و قد ختمت القرآن مرات...» این گفته نشان می‌دهد که وی در حدود ۲۷۰ یا کمی پیش از آن متولد شده است. بخش اعظم کتاب مناظرات ابن هیشم با ابوعثمان سعید بن حداد مالکی (۲۱۹-۳۰۲ ق / ۸۲۴-۹۱۵ م) در مسئله امامت است که در حضور ابوعبدالله شیعی صورت گرفته است (ص ۶۹ به بعد).

مادلونگ و واکر، تاریخ نگارش کتاب را بین ۳۳۴ ق. تا ۳۳۶ ق. می‌دانند (ص ۱۷۴ بخش انگلیسی، پی‌نوشت ۱۹۱). تعیین این تاریخ براساس دو دلیل است. نخست آنکه در عبارات پایانی کتاب (ص ۱۲۷) مؤلف در جایی نوشته است: «فحن علی ذلک حتی خرج ابن الامام و زين الأنام و زينة الأيام لصالح ما قد فسد و كشف ما استتر...» این عبارت به سومین خلیفه فاطمی، المنصور بالله، اشاره دارد که بعد از درگذشت پدرش، القائم، در شنبه ۱۳ شوال ۳۳۴، زمام امامت فاطمیان را برعهده گرفت ولی خلافت خود را در ۲۹ محرم ۳۳۶ اعلام کرد. بنابراین کتاب در تاریخی بین ۳۳۴ تا ۳۳۶ تالیف شده است. دومین اشارت تاریخی متن، سخن از قیام ابویزید مخلصین کیداد نکاری، شورشی اباضی مذهب، بر فاطمیان است که به «صاحب الحمار» شهرت داشته است. از

گروه‌های دوازده امامی در مناطق رقاده و شمال آفریقا حضور داشته‌اند که ابو عبدالله شیعی به همکاری و جلب آنها به نهضت اسماعیلیه امید داشته است. مطلب دیگری که از گفته‌های ابن هیثم به نحو تلویحی دریافت می‌شود، عقیده اکثریت جامعه شیعه در اعتقاد به دوازده امام است. ابن هیثم در وصف جامعه امامیه پس از وفات امام صادق علیه السلام می‌گوید: «اختلف الشيعة بعد جعفر صلوات الله عليه على اربع فرق، فمنهم من قال بامامة عبدالله بن جعفر و قالوا: هو اكبر ولده و به كنى جعفر اباعبدالله و هو غاسل ابيه عند موته و هم الفطحية، كان عبدالله افطح الراس و كان اخوته يعززون و يوقرونه و يعظمونه، فلما مات عبدالله ردوها الى موسى ثم نقلوها من اخ الى اخ. وقد قالت طائفة بامامة اسماعيل و هو حي عندهم الى اليوم. و منهم من اثبت موته فى حياة جعفر و منهم من انكرومونه و [قال]: ان جعفر اظهر موته ستر عليه و انه دفن ساجدة و قال لهم: هذا اسماعيل و صلى عليه و دفنه. و منهم من قال: موسى امام تاطق و اسماعيل امام صامت و طاعتهما جميعا فرض. و منهم من قال: رجعت الامامة فى محمد بن اسماعيل فى حياة جعفر و ان جعفر اثار الى ولد اسماعيل عليه السلام و منهم من قال: لكل امام واسطة فاذا جهل الامام فطاعة الواسطة فريضة، فقالت فرقة بامامة. (ص ۲۵)

المبارك بن على العبدى و كان بابا لاسماعيل و ان جعفر امر المبارك ان يتخذ دار هجرة بخراسان بين كابل الى قندهار، فلما مات المبارك اوصى الى ابنه محمد بن المبارك، فرجع اكثر الشيعة عن ولد المبارك و قالوا بامامة اسماعيل وحده و انه حى... و جمهور الشيعة اثبتت الامامة فى موسى ثم فى ولده على بن موسى الرضا و هو الذى قتله المأمون بعد ان صاهره و زوجه ابنته ثم فى ولده محمد بن على ثم فى الحسن بن محمد ثم فى محمد بن الحسن و هم الواصلة الاثنا عشرية و زعموا ان الأئمة اثنا عشر اماما و انما تنقل من والد الى ولد ولا ترجع الى الاخوة و ان الامامة لم تفر فى الاخوة من بعد الحسن و الحسين».

این گزارش از چند جهت اهمیت دارد. این را می‌دانیم که در میان امامیه چند نظر وجود داشته است. عده‌ای به سلسله لاینقطع ائمه اعتقاد داشتند که به «اصحاب النسق» شناخته شده‌اند. ظاهراً در تمایز بین این گروه و معتقدان به دوازده امام، ابن هیثم، واژه «الواصله الاثنا عشریه» را به کار برده است. کهن‌ترین اطلاع درباره اصحاب نسق، گفته ابو عاصم خشیش بن اصرم (متوفی ۲۵۳ ق) در کتاب الاستقامة فى السنة و الرد

وى در منابع فاطمیان به دجال یاد شده است.^۷ وی شورش خود بر فاطمیان را در ۳۳۲ ق / ۹۴۳ آغاز کرد و در ۳۳۳ ق / ۹۴۴-۴۵ م. قیروان را فتح کرد. قائم دومین خلیفه فاطمی که از سرکوب این شورش ناتوان بود در ۳۳۴ درگذشت. شورش ابویزید نکاری، خلافت فاطمیان را تا حد سقوط پیش برد. سرانجام منصور، سومین خلیفه فاطمی، در محرم ۳۳۶ این شورش را سرکوب کرد و پس از آن خلافت خود را رسماً اعلام کرد. ابن هیثم در اشاره به ابویزید نکاری یا دجال می‌نویسد: «... حتى ذهب فيما ذهب لنا فى أيام الدجال عليه غضب الله» (ص ۱۱۷).

مصححان علاوه بر متن عربی کتاب، ترجمه انگلیسی آن و تعلیقات خود را نیز اضافه کرده‌اند. همچنین در مقدمه انگلیسی از اهمیت کتاب برای مطالعه تاریخ اسماعیلیه در این دوره سخن گفته‌اند.

آخرین نکته‌ای که در این بخش باید به آن اشاره کرد، چند نقل قول از این کتاب در اثر داعی عمادالدین ادریس، مورخ اسماعیلی، عیون الاخبار است. این بخش‌ها را نخستین بار، استرن در مقاله‌ای منتشر کرده است که اینک در مجموعه مقالات وی تجدید چاپ شده است.^۸

برخی از نکات مهم کتاب

در کتاب المناظرات، به مطالب مهمی اشاره شده که در منابع دیگر اسماعیلیه نیامده است. این موارد چنین است:

۱. آگاهی‌هایی درباره فرق و گروه‌های امامیه (ص ۳۰-۳۸). در مجادلات و گفت‌وگوهای بین ابو عبدالله شیعی و ابن هیثم مباحث مختلفی آمده است، از جمله سخنانی درباره فرقه‌ها و نحله‌های امامیه. ابو عبدالله درباره ترتیب ائمه از ابن هیثم سؤال کرده است. ابن هیثم ترتیب ائمه را تا امام صادق علیه السلام، همانند آنچه که در مذهب امامیه مورد قبول است ذکر کرده ولی درباره امامان بعد از امام صادق (ع) می‌گوید: «ههنا وقف و انتهى لى اليقين و المعرفة و انما رغب عندك فى معرفة من بعد جعفر عليه السلام». ابو عبدالله نیز در پاسخ به ابن هیثم می‌گوید: «فان اصحابك الذين دعونا هم البارجة قد نصوا الأئمة بعد جعفر الى موسى ولده ثم فى ولده الى محمد بن الحسن». ابن هیثم نیز این گفته را تأیید کرده و گفته است: «نعلم ذلك و قلت بقولهم، ثم فارقتهم منذ اربع سنين و هم يعلمون ذلك» (ص ۳۴).

این اطلاعات از چند جهت مهم است. نخست نشان می‌دهد که

ما انسیت فلا انسی داعی ملوسه و شیخ الجماعة و فقیهها افلح بن هارون العیانی، فقد کان جمع مع الدعوة / ص ۱۲۱ / علوم الفقه و ادرك ابا معشر و الحلوانی و کان یحدث عنهما عن الحلبي و كنت كثير الاجتماع معه و الدخول اليه و نزل عندی مرارا كثيرة و نسخ كثيرا من كتب الفقه و الآثار و الفضائل و خطب مولانا و سيدنا امير المؤمنين علی بن ابی طالب صلوات الله علیه و علی الائمة من ولده» (ص ۱۲۲).

ابن هیثم در اشاره به استادی که وی را به تشیع درآورد، در اهمیت مسئله امامت از قول او می نویسد: «النظر فی الامامة باب عظیم یفتح ابوابا عظيمة، ليس فی یدیک شی و جميع ما اشتغلت به من الجدل و النظر و الفقه محال عندالامامة. لو تفتق ذهنک فی الامامة ترکت کل علم و اشتغلت بها. و انما العلوم أربع مسائل و هی التوحيد و النبوة و الامامة و انفاء التشييب» (ص ۶۰-۶۱). در پی همین توصیه بود که ابن هیثم از مطالعه مسائل دیگر دست کشید و به تحقیق درباره امامت پرداخت. جالب توجه است که وی این مطالعات را با خواندن آثار هشام بن حکم (متوفی ۱۷۹ ق) آغاز می کند: «... و ترکت النظر فی کل شی كنت انظر فيه و الهائی، فکنت اقرا كتب الامامة لهشام بن الحكم و فضائل علی صلوات الله علیه و مثالب ابی بکر و عمر و عثمان» (ص ۶۱-۶۲).

۴. ادبیات عامیانه شیعه، یکی از نکات جالب توجه دیگر در کتاب ابن هیثم، نقل برخی اشعار شیعی است که ظاهرا در حلقه های امامی متداول بوده است.

ابن هیثم در دو جا به این گونه اشعار اشاره کرده است: نخست: «و ما کان شعارنا مع اصحابنا المتشيعين الا قول الشاعر:

مَتَى ارَى الدنیا بلا مُجبر

و لا حَرَّ رَی و لا ناصِب

مَتَى ارَى السیف دَلیلا علی

حُب علی ابن ابی طالب»

(ص ۱۵)

دومین شعر در پایان خاطرات ابن هیثم آمده است. وی در اشاره به حوادثی که بر وی گذشته است می نویسد: «و اخر الله مدتی حتی رأیت من الزمان عجائب و لقد احسن الذي يقول:

قَدْ كُنْتُ اَمَلُ ان اَمُوتَ و لا اری

فَوَقَّ المنابر مِن اَمیة خاطبا

فَالله اخر مُدتی و تَطاولتُ

حَتَّى رَأیتُ من الزمان عجائبا»

علی اهل البدع و الاهواء است که به تفاریق در کتاب التنبیه و الرد علی اهل الاهواء و البدع تألیف ابوالحسین محمدبن احمد ملطی (متوفی ۳۷۷ ق) آمده است. ابو عاصم نوشته است: «و منهم [یعنی یکی از گروه های امامیه] صنف زعموا ان علیا قد علم ما علمه رسول الله (ص) من علم الدنيا و الاخرة و ما کان و ما هو کائن و علم علی (ع) بعد رسول الله (ص) لم یکن رسول الله یعلمه و ان علیا اعلم من رسول الله (ص) و جعلوا الائمة بعد، یرثون ذلک منه الی یومنا هذا الأكبر فالأكبر و ان العلم یولد معه» (ملطی، التنبیه و الرد ص ۱۵۹).

گزارش های ابن هیثم از انشعابات امامیه بعد از وفات امام صادق علیه السلام مفصل تر از منابع دیگر است، خاصه درباره مبارک و فرزند او. نکته جالب دیگر اشاره به ابواب است. ابن هیثم در پاسخ ابوعبدالله درباره امامت بعد از امام حسن عسکری (ع) می گوید: «فقال [ابوعبدالله شیعی] ليس تزعم الموسائبة ان الحسن توفي و انما ترک امة حبلی، فولد له بعده محمدبن الحسن هذاالذی یزعمون؟ قلت: كذلك یقولون. فقال: فکیف یرجی الامام و تبقى الدنيا هملا بالامام؟ قلت: یقولون بالتوفیق الی الابواب حتی یولد الامام و یربغ کماکان محمدبن الحنفیة بابا لعلی بن الحسن صلوات الله علیه حتی یربغ و کذلک کان یوشع بن نون ستر لولدهارون» (ص ۳۷).

۲. احادیث در فضیلت امام علی علیه السلام. مؤلف کتاب المناظرات به احادیث مختلفی چون حدیث جابر و حدیث منزلت اشاره کرده است. ابن هیثم در اشاره به حدیث جابر بن عبدالله انصاری می نویسد: «... ثبت الخبر عن رسول الله انه اشار الی الحسن علیه السلام و قال له: من نسلک القائم المهدی و اخبر جابر بن عبدالله الانصاری انه یدرک رابع الائمة من ولده و امره ان یقرآ منه السلام و یقول له: انت الباقر الذی یقر العلم بقرا» (ص ۳۱).

وی درباره حدیث منزلت نیز می نویسد: «فقد ثبت الخبر ان علیا صلوات الله علیه اخو رسول الله آخی بینة و بینة اذ آخی بین اصحابه مرتین و قال له: انت یا علی آخی و انت منی بمنزلة هارون من موسی و قوله فیه: من كنت مولاه فعلى مولاه» (ص ۱۷).

ابن هیثم به حدیث کساء و ماجرای غدیرخم نیز اشاره کرده است. ۳. آثار کهن امامیه. می دانیم که فقه اسماعیلیه را قاضی نعمان در دعائم الاسلام تدوین کرده که برگرفته از متون امامیه و زیدیه است. شاهد دیگری بر این گفته، عبارتی در کتاب ابن هیثم است. ابن هیثم در یادکرد از یکی از داعیان اسماعیلی و قاضی دولت فاطمیان می نویسد: «و

pp. 178-83. Ismaili K.Poonawalla, Biobibliography of Ismaili Literature, Malibu, Calif, 1977,

۵. خانم سمیه همدانی، محقق اسماعیلیه پژوه، در مقاله‌ای، تحلیل کاملی از محتوای مناظرات کتاب ابن هیثم ارائه کرده است. ر.ک:

North Sumaiya Hamdani, "The Dialectic of Power: 2000, pp.5-21. Sunni-shii Debates in Tenth Century Africa", Studia Islamica,

۶. داعی عمادالدین ادریس (متوفی ۸۷۲ ق) از کتاب المناظرات بهره برده و چند نقل قول از آن آورده است. (ر.ک: داعی عمادالدین ادریس، تاریخ الخلفاء الفاطمیین بالمغرب، تحقیق محمدالعلوی، دارالغرب الاسلامی، بیروت ۱۹۸۵).

۷. ابن ندیم به نقل از ابن رزام اطلاعاتی دربارهٔ نکاری آورده است. به نوشتهٔ ابن رزام، در زمان قائم، دومین خلیفه فاطمی، فردی به نام ابویزید بر او شورش کرد: «فخرج علیه رجل يعرف بابی یزید المحتسب و اسمه مخلد بن کیداد البربری الزناتی [در متن به غلط البراتی] من یفرن [در متن یفرن] الاباضی النکاری [در متن البکاوی] و يعرف بصاحب الحمار... فقتل و صلب و ذلک فی سنة ۳۳۶»، در پایان ابن رزام از فتح مصر در زمان المعزالدین الله در سال ۳۵۸ و هجرت ابن خلیفه فاطمی به مصر در سال ۳۶۲ و مرگ المعز در سال ۳۶۵ ق. سخن گفته است و به جانشین او نزار بن معد اشاره کرده است. براین اساس ابن رزام کتاب خود را بعد از ۳۶۵ و قبل از ۳۸۵ (سال وفات نزار) تألیف کرده است (ر.ک: ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۳۹).

8. S.M.Stern, Studies in Early Ismailism, E.J.Brill, 1983, pp.100-104.

۹. در متن این عبارت، که استرن به چاپ رسانده است، اشکالی وجود دارد. استرن عبارت را این گونه آورده است: «و ما نسیت فلا انسی داعی ملوسه و شیخ الجماعة و فقیهها اقلح بن هارون العبانی فقد کان جمع مع الدعوة علوم الفقه و ادراک ابا معشر و الحلوانی و کان یحدث عنهما عن الملوسی». (ص ۱۰۲-۱۰۳). عبارت درست چنین است: «و کان یحدث عنهما عن الحلبی».

۱۰. دربارهٔ ابن متکلم امامی ر.ک: ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۲۳-

۲۲۴؛ رجال التجاشی، ص ۴۳۳-۴۳۴.

(ص ۱۲۵)

بی شک این اثر ارزشمند برای محققان تاریخ اسماعیلیه و امامیه مفید خواهد بود.

پی نوشت ها:

۱. در این باره بنگرید به عبارت هایی از اثر اسماعیلیان نزاری ایران به نام دستورالمنجمین که مرحوم دانش پژوه بخش هایی از آن را در مجله نشریه دانشکده ادبیات تبریز (سال ۲۸، مسلسل ۷۷، بهار، ۱۳۴۵ ش) با عنوان «ذیلی بر تاریخ اسماعیلیه یا سندی چند درباره اصل تعلیم و تاریخ اسماعیلیان» (ص ۲۱) به چاپ رسانده است.

۲. تأمل در نوشته های ابن رزام که ابن ندیم آنها را نقل کرده، این حقیقت را نشان می دهد که این گزارشگر برخی از حقایق قدرت گیری فاطمیان در رقاده به رهبری ابوعبدالله شیعی را با اتهامات و سخنان کذب درباره فاطمیان در هم آویخته است (ر.ک: ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۳۸-۲۳۹).

۳. ویلفرد مدلونگ مدت بیست سال، تا ۱۹۹۸ م، استاد کرسی عربی لودین (Laudian) در دانشکده آکسفورد بوده است. در حال حاضر وی با مؤسسه اسماعیلیه همکاری می کند. از میان تألیفات مختلف وی می توان آثار زیر را برشمرد:

Iran Religious Schools and Sects in Medieval Islam
A study of (1985); Religious Trends in Early Islamic
An Ismaili (1988); The succession to Muhammad:
(1998, with paul. E.Walker). the Early Caliphate (1997);
Heresiography

پاول واکر، تاریخ نگار اندیشه های کلامی اسماعیلیه است و با دانشگاه شیکاگو همکاری دارد. وی آثار متعددی درباره اندیشه و رزان اسماعیلی دوره فاطمیان چون حمیدالدین کرمانی نگاشته است؛ از جمله: Abu Yaqub Early philosophical shi,ism (1993); The Missionary (I.B. Tauris, wellsprings of wisdom (1993; al kirmani: Ismaili Thought in al-sijistani: Intellectual the Age of alHakim (I.B.Tauris, 1999). 1996; Hamid alDin

۴. درباره بهره جویی بنگرید به: